

نسبت الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و توسعه پایدار روستایی

مجتبی پالوج

عضو هیات علمی مؤسسه‌ی پژوهش‌های برنامه‌ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه‌ی روستایی

چکیده

الگوی اسلامی - ایرانی، با تبیین مبانی، آرمان، رسالت، افق و تدابیر، به دنبال تعیین چارچوب، خطوط اصلی و راهنمای عمل و تصمیم‌گیری برای پیشرفت است و مهم‌ترین سند وفاق ملی بعد از قانون اساسی برای پنجاه سال آینده خواهد بود. هدف این مقاله تبیین نسبت الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و توسعه‌ی پایدار روستایی است که ضمن تبیین مفاهیم، به ارائه‌ی نتایج حاصل از غفلت از روستا در الگو و نظام برنامه‌ریزی ایران در هفتاد سال گذشته پرداخته و این حقیقت تلخ را بیان می‌کند که الگوی پایه به‌نوعی تکرار روندهای غیر قابل قبول گذشته و سهل‌انگاری در توسعه‌ی آینده‌ی روستاست. با این الگو نه تنها تداوم توسعه‌نیافتگی روستاها استمرار خواهد یافت و آثار سوئی بر پیشرفت خواهد داشت و اشتباه تاریخی بی‌توجهی به روستا تکرار شده، بلکه در تحقق اهدافی که الگو به دنبال آن است اختلال و مانع جدی ایجاد خواهد شد؛ لذا التزام به تحقق مفاد الگو منوط به توجه شایسته به توسعه‌ی پایدار روستایی و قائل شدن جایگاه مناسب برای آن در الگوست. روش این پژوهش کیفی و کاربردی، موردی، و زمینه‌ای است که ضمن تبیین توسعه‌ی روستایی به اصول و چالش‌ها و نحوه‌ی تعامل الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت با توسعه‌ی روستایی می‌پردازد و تأکید بر بازنگری و تمرکز بیشتر بر مشارکت ذی‌نفعان و خبرگان روستایی در الگوی پیشرفت، تعامل میان رویکردهای توسعه‌ی روستایی و قابلیت تحقق الگوی پایه را پیشنهاد می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: الگوی اسلامی - ایرانی، توسعه‌ی پایدار روستایی، پیشرفت، توسعه، برنامه



مقدمه

الگوی پایه‌ی اسلامی - ایرانی پیشرفت با تبیین مبانی خداشناسی، جهان‌شناختی، انسان‌شناختی، جامعه‌شناختی، ارزش‌شناختی، و دین‌شناختی بوده و مشتمل بر آرمان، رسالت، افق و تدابیر و حاوی نکاتی متأثر از مفاهیم ارزشی است. در الگوی پایه آمده است که مردم ایران از احساس امنیت، آرامش، آسایش، سلامت و امید زندگی در سطح برتر جهانی برخوردارند. همچنین ذکر شده است که ایران یکی از پنج کشور پیشرفته‌ی جهان در تولید اندیشه، علم و فناوری جای گرفته و یکی از ده اقتصاد بزرگ دنیاست، از سلامت محیط‌زیست و پایداری منابع طبیعی، آب، انرژی و امنیت غذایی با حداقل نابرابری فضایی و بدون فقر، فساد و تبعیض برخوردار است. از نظر سطح کلی پیشرفت و عدالت، در شمار چهار کشور برتر آسیا و هفت کشور برتر دنیا شناخته می‌شود و دارای ویژگی‌های برجسته و خاستگاه تمدن نوین اسلامی - ایرانی است (مرکز الگو، ۱۳۹۷).

علاوه بر این، محورهایی تحت عنوان تدابیر ذکر شده است که مفهومی شبیه به راهبرد دارد. در یک نگاه، صرف نظر از مفاهیم ارزشی و شیوایی، توالی مفهومی در الگوی پایه دیده نمی‌شود و پوشش لازم را به کل جوامع نمی‌دهد. این الگو برای کل جامعه‌ی ایران برای افق ۱۳۴۴ طراحی شده، در حالی که به جوامع روستایی و عشایری به طور شایسته توجه ننموده و بدین جهت نمی‌تواند تعیین‌کننده‌ی چارچوب و خطوط راهنما در توسعه‌ی پایدار روستایی باشد.

بیان مسئله

مهم‌ترین مسائل در بررسی‌های اکتشافی در واژه‌ها و عبارات زیر قابل ذکر است: شناخت ناکافی مسئله و نیاز روستا، تمرکز در نظام برنامه‌ریزی با ساختار سلسله‌مراتبی تمرکزگرا و موازی با محوریت شهری در سیاست‌گذاری‌ها، نداشتن رویکرد راهبردی و برنامه‌ی کل‌گرا و یکپارچه و همه‌جانبه‌ی توسعه‌ی پایدار روستایی مبتنی بر مشارکت واقعی، عدم توانمندی مناسب در مدیریت فرابخشی و نبود هماهنگی بین بخش و نهاد در فرایند توسعه‌ی روستایی، عدم توجه لازم به آمایش سرزمین، بی‌توجهی به ظرفیت‌سازی سازمانی و به فرهنگ تولید و تولیدگری، اشتغال ناقص و کمبود فرصت‌های شغلی، پایین بودن سطح درآمد روستاییان و رفاه و کیفیت پایین زندگی، نبود انگیزه‌ی بالا برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، تلقی شهروند درجه‌دومی از روستاییان، نبود ارتباط سیستمی بین شهر و روستا، روستاگریزی و آرزوی شهری بودن،

افزایش فاصله‌ی سطح زندگی بین شهر و روستا و شکاف بیشتر بین آن‌ها، فقر و به حاشیه کشیده شدن، از جمله مهم‌ترین چالش‌های توسعه‌ی روستایی است که برنامه‌های توسعه در قالب الگوهای مرسوم بدان‌ها پاسخ ندادند.

حال با توجه به بی‌شمار مسائل مبتلابه جوامع روستایی، مطمئناً در طراحی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت انتظار می‌رود با توجه به مهم‌ترین مؤلفه‌های ایجابی و با شناخت محیط و تبیین وضع موجود و احصای نیاز روستا و ساخت آینده‌ی مطلوب با ترسیم چشم‌اندازی امیدبخش بتواند نقش مؤثری در توسعه‌ی پایدار روستایی ایفا کند. الگویی می‌تواند کارآمدی لازم را داشته باشد که به این مسائل واقف بوده و پوشش مناسبی بدان‌ها بدهد. بررسی و تحلیل الگوی پایه‌ی ارائه‌شده بیانگر این است که اساساً مقوله‌ی روستا از نظر دور نگه داشته شده است. الگو به رغم مؤلفه‌هایی همانند مبانی، آرمان، رسالت، افق و تدابیر، باید جامعیت لازم را داشته و نقشه‌ی راهی برای سیاست‌ها و راهکارهای اجرایی و ساختار و... به صورت فراگیر باشد؛ در حالی که از مجموعه‌ی ارائه‌شده در الگوی پایه چنین استنباطی نمی‌شود.

ارائه‌ی الگویی مناسب که بتوان از طریق آن مسیر مناسب و راه‌های رسیدن به پیشرفت را سامان‌دهی و پایش کرد، دارای اهمیت است. کارگزاران و مجریان باید این جهت‌گیری‌های کلان را تفسیر کرده و به عملیاتی شدن نزدیک‌تر کنند، در آن یک وفاق اجمالی متصور باشند و لازم‌الاجرایش بدانند. در این صورت سیاست‌گذاران، مدیران و کارگزاران، سیاست‌ها و راهکارهای اجرایی و عملیاتی را به نحوی تنظیم می‌کنند که توان حکومت در پاسخ‌گویی به نیاز و تأمین خواست عامه‌ی مردم را ارتقا دهند.

به رغم تلاش‌های زیادی که برای تدوین الگوی سالیان گذشته صورت گرفته، آن طوری که باید از ویژگی‌های لازم برخوردار نیست. در واقع نداشتن یک الگوی مناسب مشکل ایجاد کرده و به‌ویژه آن‌گونه که شایسته باشد، با توجه به محتوای آنچه ارائه شده، این الگو در توسعه‌ی روستایی اثرگذار نخواهد بود. رفع چنین مشکلی و تدوین الگویی که بخش دولتی، غیردولتی و در واقع دولت‌ها، کارگزاران، خبرگان و عامه‌ی مردم خود را در آن سهیم دانسته و آن را به عنوان ترجمان آرمان قبول داشته و به دنبال اجرا و پایش آن برآیند، در صورتی میسر است که الگو ویژگی‌های مورد انتظار را داشته باشد و جامعه‌ی عظیم روستا را به حاشیه نراند. استفاده از روش‌های مشارکتی مهم است و عدم مشارکت ذی‌نفعان می‌تواند هر الگویی را با بحران مقبولیت و مشروعیت و با بحران هویت مواجه کند. مشارکت واقعی ذی‌نفعان الگو را کارآمد می‌کند و مقبولیت آن را بیشتر و به پیاده‌سازی هر چه بهتر و کامل‌تر آن کمک می‌نماید.



بدون وجود الگو نوعی واگرایی پیش می‌آید و بحران‌های بزرگی ایجاد می‌شود. در صورتی که الگوی مناسب یک هم‌گرایی و هم‌افزایی در کشور ایجاد می‌کند و افق روشن و امیدبخش را فراروی نظام مدیریتی می‌گشاید، بدین جهت اهمیت مدیریتی، قانونی و سیاسی و مضافاً اهمیت مشارکتی آن، نقش بازیگران و ذی‌نفعان و روابط آن‌ها را آشکار می‌سازد. از الزامات تدوین الگو شناخت دقیق آرمان‌ها و ارزش‌هاست که از منابع و آموزه‌های اسلامی احصا می‌شود و همین‌طور تأکید و تمرکز بر داشته‌هاست که به ظرفیت و دانش و تجربه‌ی تاریخی و محیطی ایران برمی‌گردد (پالوج، ۱۳۹۰).

ادبیات موضوع

الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت ابزار یا نقشه‌ای برای تکامل است که می‌بایست به اسلامیت و ایرانیت بپردازد. ویژگی مهم الگو اسلامی بودن آن است که ناظر به جهان‌بینی، اهداف، ارزش‌ها و روش‌هایی مبتنی بر اسلام است (مصباحی‌مقدم، ۱۳۹۰). تاریخ این سرزمین و تمدن‌هایی که در آن بروز و ظهور کرده‌اند و درس‌ها و عبرت‌هایی که دارند نیز حائز اهمیت است. ایرانی بودن الگو یعنی هم‌ی آن آرمان و اصول اسلامی در ظرف توسعه‌ی ایران شکل گیرد و به ایران اصالت داده شود. کارویژه‌ی الگو استفاده از تاریخ ایران و شناساندن موفقیت‌ها، پیشرفت‌ها و تمدن‌های قبلی است. ملازمت اسلام و ایران در الگوی اسلامی - ایرانی، بر حمیت، ملی‌گرایی، هویت‌بخشی، انسجام اجتماعی، غرور ملی، وحدت و هویت‌یابی و بر مهم‌ترین رکن پیشرفت که مردم‌محوری و مشارکت و سرمایه‌ی اجتماعی است تأکید می‌کند.

نقطه نظرات زیادی در خصوص الگو ارائه شده که برخی از آن‌ها در ادامه ذکر می‌شوند. عناصر اصلی الگو توحید، عدالت، آینده‌نگری، عقلانیت و قانون‌گرایی است و پیشرفت تعریفی از تکامل بشری است (غفوری، ۱۳۹۰). ایران کشوری با فرهنگ غنی، تاریخی کهن، سرزمینی پهناور، موقعیت حساس، جمعیتی جوان، مستعد و فداکار، اقوام و فرهنگ‌های مختلف، اقلیم متنوع و غیره است که باید مورد توجه دقیق قرار گیرد (حداد عادل، ۱۳۹۰). الگو هم باید از اصول، ارزش‌ها و مبانی اسلامی برخوردار باشد و هم از دستاوردها و روش‌های علمی و تجارب مفید استفاده کند (واعظ‌زاده، ۱۳۹۰). الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی یک ضرورت استراتژیک است و باید همراه آینده‌پژوهی (درخشان، ۱۳۹۰)، با تحلیل و آسیب‌شناسی وضعیت موجود به ترسیم وضعیت مطلوب و ارائه‌ی راهبردهای تغییر بپردازد (میرمعزی، ۱۳۹۰) و موجب هماهنگی بیشتر حرکت عمومی کشور و استقلال و اقتدار شود (پیروزمند، ۱۳۹۰) و محور هماهنگی الگوهای رایج در تمامی حوزه‌های راهبردی باشد (طباطبائیان و قادری، ۱۳۹۰).

در پارادایم تمدن اسلامی، خانواده محور پیشرفت و منبع تأمین نیروی انسانی کارآمد است (علاسوند، ۱۳۹۰). الگو بر اساس تعامل سه نوع سرمایه‌ی اجتماعی، انسانی و فیزیکی (نظری، ۱۳۹۰)، باید جهت‌های کلی را برای حرکت کشور به سمت توسعه مشخص کند. این الگو باید برانگیزاننده، الهام‌بخش، دارای مقبولیت و کارآمدی باشد. الگویی که از اجماع عمومی و خواسته‌ی مردم از تحقق آرمان‌های قانون اساسی و نیات رهبری در فرایندی علمی، تهیه، تصویب، اجرا و ارزیابی شود. بنابراین رسیدن به الگوی مناسب با رویکردی طراحی و با تفکری آینده‌نگر، رو به جلو و هدفمند، می‌تواند در توسعه‌ی کشور و پیشرفت روستا مؤثر واقع شود (پالوج، ۱۳۹۰). الگو می‌بایست پوشش مناسبی به مکان‌ها از جمله مناطق روستایی و جوامع روستایی بدهد.

سؤالات پژوهش

هدف این مقاله تبیین نسبت الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و توسعه‌ی پایدار روستایی و تبیین ویژگی‌ها و قابلیت‌های الگو برای تحقق توسعه‌ی پایدار روستایی است و به دنبال پاسخ به سؤالات زیر است:

ویژگی و بایسته‌های الگو چیست؟ روستا در این الگو چه جایگاهی دارد؟ آیا در ایران پیشرفت بدون توسعه‌ی روستاها امکان‌پذیر است؟ برای کشوری که روستا از عناصر اصلی تشکیل‌دهنده‌ی آن است، برای تحقق منویات این الگو در افق، آیا توسعه‌ی روستایی یک اضطرار نیست؟ نسبت الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و توسعه‌ی پایدار روستایی چیست؟

روش تحقیق

در این مقاله با توجه به عنوان آن، با مجموعه‌ای از سؤالاتی مواجه هستیم که راهنمای عمل در گزینش چارچوب روش‌شناسی تحقیق هستند. از نظر هدف این تحقیق کاربردی است؛ زیرا به دنبال بسط و تعمیم الگو به روستاست و انتظار می‌رود نتایج حاصل از آن سیاست‌گذاران را در زمینه‌ی پیشرفت روستا رهنمون باشد. از نظر ماهیت، روش تحقیق یک روش کیفی مبتنی بر مطالعات اسنادی و تجربی است و تلاش شده است از یافته‌های مستند و قابل اتکا استفاده شود. با توجه به هدف، این تحقیق از نوع کاربردی و در عین حال اکتشافی، توصیفی و تحلیلی و موردی - زمینه‌ای است که ضمن تبیین توسعه‌ی روستایی و زوایای مختلف الگو، به ویژگی‌های مورد انتظار الگو از نظر اسلامی و ایرانی پرداخته و به اصول و چالش‌ها و نحوه‌ی تعامل الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت با توسعه‌ی روستایی می‌پردازد و با توجه به اهمیت



روستا شمایی از الگوی توسعه‌ی پایدار روستایی ارائه می‌کند و تأکید بر بازنگری و تمرکز بیشتر بر مشارکت ذی‌نفعان و خبرگان روستایی در الگوی کلان پیشرفت دارد و در پایان الگوی تعامل میان رویکردهای توسعه‌ی روستایی و قابلیت تحقق الگوی پایه را پیشنهاد می‌دهد.

با عنایت به اینکه نتایج به‌دست‌آمده حاصل کنکاش در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی و در طراحی با توجه به شناسایی جنبه‌های تأثیرگذار در پیشرفت روستا، از نوع اکتشافی است و به دلیل ارتباط الگوی کلان و تعمیم آن به توسعه‌ی روستایی، تحقیق از نوع تحلیلی است. تلاش می‌شود با تبیین بیشتر موضوع و برشمردن مسائل روستا در ایران به سؤالات پاسخ داده شود.

در مقاله‌ی حاضر ضمن تبیین مفهوم توسعه‌ی روستایی به چگونگی ارتباط فقر، کشاورزی، روستا و روستایی و پایداری محیط‌زیست در جهان، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه که حاصل اجرای برنامه‌های توسعه در سطوح ملی و محلی بوده است، اشاره شده و ابعادی از وضعیت قابل ترسیم آینده بررسی خواهد شد و متعاقب آن مبتنی بر این روابط وضعیت ارتباط متغیرها در جامعه‌ی روستایی ایران بررسی و آثار غفلت از توسعه‌ی روستاها و عدم تلاش در توقف روندهای نامطلوب در چگونگی تحقق ویژگی‌های جامعه‌ی ایرانی در افق الگو مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

با توجه به شیوه‌ها و تکنیک‌ها و با استفاده از مستندات و اسناد مرتبط با الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و با عنایت به این مهم که الگو نگرش و تفکری راهبردی و آینده‌نگرانه دارد، و مضافاً اینکه با استفاده از زمینه، بستر شناختی و دانش و معلوماتی که از تجربه‌ی مشارکت در فرایند تدوین برنامه‌های توسعه فراهم شد، چگونگی فراهم آوردن زمینه‌های اصلی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت را با تأکید بر جامعیت و پوشش کامل به جوامع و نقش در توسعه و خلاقیت و نوآوری در نواحی روستایی تعقیب می‌نماید. در تحقیق حاضر علاوه بر تصویرسازی آنچه هست، به تشریح و تبیین دلایل چگونه بودن و چرایی وضعیت مسئله و ابعاد الگو پرداخته شده و از طریق جستجو در ادبیات و مباحث نظری تحقیق و گزاره‌ها و همکاری موجود در ارتباط با موضوع زمینه و ضرورت بسط الگو به روستا فراهم شده است. این نکته حائز اهمیت است که توسعه یکی از پرچالش‌ترین مفاهیم در ایران است. تجربه‌ی توسعه مشتمل بر نقش و جایگاه سازمان و کارگزاران توسعه در ایران است. تا قبل از اینکه دانش توسعه‌ای داشته باشیم، وارد اجرای برنامه‌های توسعه شده‌ایم و از غرب الگو گرفته‌ایم و جدایی فضای مفهومی و اجرایی توسعه و ناکارآمدی از جمله عوامل بازنگری است (آزاد ارمکی، ۱۳۹۳).

مبانی نظری و چارچوب مفهومی و یافته‌ها

از الگو به مفهوم عام تعاریف متعددی شده است که برخی از پرکاربردترین آن‌ها بدین شرح است؛ الگو اقتباسی از مسائل عینی و واقعی با ساده‌سازی روابط است (الوانی، ۱۳۹۵)؛ راهنمای سیاست عمومی و نمونه‌ی ساده‌شده‌ی دنیای واقعی است (دای، ۲۰۰۸)؛ تصویری از واقعیت‌ها و درک بهتر روابط و متغیرهای موجود و نتایج حاصل از کنش و واکنش آن‌هاست (دانشگاه عالی، ۱۳۸۷)؛ بر عناصر و اجزای کلیدی قابل تعمیم دلالت دارد (تسلیمی، ۱۳۸۶)؛ درک بهتر سیاست‌ها و پیش‌بینی پیامدهای آن است (گیوریان و ربیعی، ۱۳۸۴)؛ و روشمندی انجام کار و نقشه‌ی راه آینده و فرایند گام به گام از شناخت مسئله تا اجرا و ارزیابی است که دارای مفهومی هدفمند و ساختار و روابط منظم است و تبیین آرمان و ارزش‌های یک ملت، نقطه‌ی عزیمت و کوششی برنامه‌ریزی‌شده برای پیشرفت و تمدن‌سازی و رفتار و سبک زندگی متمدنانه، اخلاق‌مدار و انسان‌محور، نقشه‌ی زندگی برای رسیدن به سعادت دنیا و آخرت، تحقق عملی بیانی‌های حقوقی در قلمرو سرزمین (ملی، منطقه‌ای، محلی) از طریق تصمیم‌گیری راهبردی به منظور هدایت اجتماعی و تعیین‌کننده‌ی چارچوب، خطوط اصلی و راهنمای عمل و تصمیم‌گیری در توسعه‌ی ملی و توسعه‌ی روستایی است. الگو می‌بایست تبیین نماید که دلیل و فلسفه‌ی وجودی روستا، رسالت و وظایف آن چیست (افتخاری، ۱۳۹۱).

مرام اسلام به عنوان نقشه‌ی زندگی، برای رسیدن به سعادت دنیا و آخرت است (شاه‌آبادی، ۱۳۸۶). مهم‌ترین هدف حکومت اسلامی راهنمایی انسان‌ها، مهیا کردن مبادی تمدن راستین و تبیین اصول حاکم بر روابط داخلی و خارجی است (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۹۹). الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت به مبانی خداشناسی، جهان‌بینی، انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی، ارزش‌شناختی و دین‌شناختی و همچنین به آرمان و رسالت مبتنی بر ارزش و به افق و تدابیر پرداخته است. به ابعاد مختلف پیشرفت چون تعالی، عدالت، ارتقای امنیت، افزایش قدرت ملی، رفاه و آسایش توجه داشته و چنین ترسیم نموده است که مردم ایران در افق از احساس امنیت، آرامش، آسایش، سلامت و امید به زندگی در سطح برتر جهانی برخوردارند. ایران در افق یکی از پنج کشور پیشرفته در تولید اندیشه و علم و فناوری و یکی از ده اقتصاد بزرگ دنیاست. از سلامت محیط‌زیست و پایداری منابع، آب، انرژی و امنیت غذایی با حداقل نابرابری فضایی و بدون فقر، فساد و تبعیض برخوردار است. از نظر سطح کلی پیشرفت و عدالت در شمار چهار کشور برتر آسیا و هفت کشور برتر دنیا شناخته می‌شود.

در جهان از مفاهیمی چون رشد، بهبود، پیشرفت، ترقی و توسعه استفاده شد. واژه‌ی توسعه بعد از انقلاب صنعتی به وجود آمد و فراگیر شد و انواع و اقسام پیدا کرد. توسعه‌ی پایدار



پارادایم حاکم شد و مورد پذیرش جامعه‌ی جهانی قرار گرفت. جمهوری اسلامی ایران به لحاظ ویژگی‌های خاص خودش، مفهومی را که رشد، بهبود، ترقی، پیشرفت، توسعه‌ی پایدار و... به دنبال آن هستند، تحت عنوان «پیشرفت» انتخاب کرده و درصدد طراحی الگویی برای آن است.

به لحاظ نظری، ضرورت توجه به روستا در الگو از زوایای مختلف حائز اهمیت است، ولیکن از این مسئله غفلت شده است. توسعه‌ی پایدار روستایی مقوله‌ای چندساحتی است. الگو بایستی با استدلال، خردورزی و عقلانیت به دنبال پیدا کردن حقیقت باشد و حقیقت این است که جامعه‌ی روستایی جزئی جداناپذیر از کشور است. پیچیدگی و تحولات روزافزون، رشد فزاینده‌ی علم و فناوری و ورود ذی‌نفعان در عرصه‌های مختلف، عبور از پارادایم حاکم و استقرار پارادایم نوین را اجتناب‌ناپذیر ساخته است. چنانچه الگویی بخواهد این پارادایم را شکل دهد، باید جامعیت لازم و تمام‌شمول داشته باشد و جامعه‌ی روستایی را در کانون توجه قرار دهد و با مشارکت روستاییان اعم از نخبگان، سازمان‌های مردم‌نهاد و با ارتقای سرمایه‌ی اجتماعی، به دنبال رفع موانع و پاسخ به نیاز و ساخت آینده‌ای مطلوب و ارتقای کرامت انسانی باشد. چنانچه پارادایم پیشرفت در قالب الگویی طراحی شود که ذی‌نفعان روستایی در آن مشارکت واقعی داشته باشند، کارایی و اثربخشی و بهره‌وری الگو بیشتر خواهد بود و نقش مؤثرتری در پیشرفت ملی و توسعه‌ی روستایی ایفا خواهد کرد. با عنایت به نقش الگو در سازمان‌دهی و حرکت حکومت و جامعه برای رسیدن به ابعاد مختلف پیشرفت چون تعالی، عدالت، ارتقای امنیت، افزایش قدرت ملی، رفاه و آسایش و ضرورت بهره‌مندی جامعه‌ی روستایی از منافع پیشرفت، داشتن جایگاه مناسب روستا در الگو و نسبت الگوی پیشرفت و توسعه‌ی پایدار اهمیت و ضرورت پیدا می‌کند.

توجه به انسان‌محوری و مشارکتی بودن توسعه مهم است. نظر امام (ره) این است که «در مشکلات باید به ملت متوسل شد» (امام خمینی، ۵۸/۳/۲۶). پژوهش‌ها نشان می‌دهد که روستا به میزان نقش و اثر خود، جایگاه مناسبی در نظام‌های برنامه‌ریزی نداشته است و نتیجه‌ی آن عدم بهره‌مندی عادلانه از منافع توسعه‌ی ملی بوده است (پالوج، ۱۳۸۳).

مفهوم توسعه‌ی پایدار روستایی

بسیاری از توسعه‌گران معتقدند فرایند توسعه برای کشورها همان مسیری است که در کشورهای پیشرفته طی شده است. توسعه‌یافتگی را به آنچه در این کشورها رخ داده است تعریف و بیان می‌کنند. بر مبنای همین تحلیل پس از جنگ جهانی دوم، راه برون‌رفت

کشورهای توسعه‌نیافته با به‌کارگیری راهبرد توسعه‌ی شهری و توسعه‌ی صنعتی را پیگیری و تجویز نمودند (میر، ۱۳۶۸: ۳۵) که نتیجه‌ی این رویکرد در کشورهای جهان سوم در آمریکای لاتین و برخی کشورهای آسیایی، به تمرکز نامناسب فعالیت‌های اقتصادی، بحران‌های اجتماعی، زیست‌محیطی، ایجاد و گسترش بی‌رویه‌ی کلان‌شهرها، حاشیه‌نشینی شهرها، عدم توازن‌های منطقه‌ای، ایجاد اختلاف بین شهر و روستا و گسترش فقر و بسیاری از مشکلات دیگر منجر شد و همین امر و راهبردی‌های فوق سبب شد که روستا و وضعیت فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی روستاییان، سخت‌ترین شرایط را تجربه نماید؛ لذا ابتدا رویکرد به توسعه‌ی روستا را با تجویز منابع بیشتر برای جبران مشکلات پیش‌آمده و ساختارهای نامناسب معرفی و توصیه کردند که در نتیجه رشد مکانیکی نیز جواب قانع‌کننده‌ای نداده و موضوع انقلاب سبز را به عنوان رویکرد دیگری برای توسعه‌ی روستا معرفی کردند که در عمل این رویکرد نیز مشکلات این جامعه را نتوانست حل و فصل کند.

در امتداد بررسی این مشکلات، رویکرد به توسعه‌ی روستا را مبتنی به توسعه‌ی مشارکت‌های اجتماعی و توسعه‌ی یکپارچه‌ی اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی روستاها و بهبود زیرساخت‌های لازم با کارکرد تعادل‌بخشی در شاخص‌های اقتصادی و فعالیت‌های منابع انسانی متناسب با امکانات و توانمندی‌های جغرافیایی را معرفی کردند و از این رهگذر بانک جهانی توسعه‌ی روستایی را راهبردی برای بهبود زندگی اقتصادی و اجتماعی مردم فقیر روستایی تعریف کرد. این فرایند شامل بسط منافع فقیرترین اقشاری است که در مناطق روستایی در پی کسب معاش هستند و شامل کشاورزان خرده‌پا، خوش‌نشینان و کشاورزان بی‌زمین است (پالوج، ۱۳۸۴: ۲۹).

میسرا معتقد است توسعه‌ی روستایی محدود به توسعه‌ی کشاورزی و رفاه اجتماعی نیست؛ بلکه طیف گسترده‌ای از فعالیت‌های انسانی است که مردم را به خوداتکایی و از میان برداشتن ناتوانایی ساختارهای موجود توانمند سازد (ازکیا، ۱۳۸۳: ۲۰). توسعه‌ی روستایی فرایندی همه‌جانبه و پایدار معرفی شده که در چارچوب توانایی‌های جوامع روستایی برای رفع نیازهای مادی و معنوی و کنترل اکولوژیک، فعالیت‌های اقتصادی و نهادهای مؤثر بر روستا، رشد و تعالی می‌یابد (پالوج، ۱۳۸۴: ۳۰).

مهم‌ترین هدف بنیادی توسعه‌ی روستایی افزایش بهره‌وری، توزیع عادلانه‌ی منافع توسعه‌ی ملی، تأمین نیازهای اساسی انسانی، اشتغال، مشارکت، اعتماد به نفس و حفظ محیط طبیعی و زیستی است. توسعه‌ی پایدار بدون اینکه توانایی نسل‌های آینده را به مخاطره اندازد، نیاز نسل کنونی را تأمین می‌کند (گلدین و وینترز، ۱۳۷۹) و فرایندی است که با سازمان‌دهی و تنظیم



رابطه‌ی انسان و محیط و مدیریت بهره‌برداری از منابع، دستیابی به تولید مستمر، زندگی مطمئن، امنیت غذایی، عدالت و ثبات اجتماعی و مشارکت مردم را تسهیل می‌کند. در تبیین نظری، مفهوم توسعه‌ی پایدار بر تمام ابعاد سه‌گانه‌ی توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و محیطی و بر اصول یکپارچگی، عدالت درون‌نسلی و بین‌نسلی و حفظ تنوع تأکید دارد (معاونت توسعه‌ی روستایی، ۱۳۹۴).

بدین ترتیب تمامی این رویکردها به‌مثابه‌ی راه‌های برون‌رفت از شرایطی است که به واسطه‌ی اجرای راهبردهای توسعه در کشورهای جهان ظهور یافته بود. لذا شواهد تجربی در جهان سوم بیانگر عمق بی‌توجهی از جانب کسانی است که به موضوع توسعه‌ی روستاها در فرایندهای توسعه در سطح ملی دغدغه‌ی نظری و عملیاتی نداشته‌اند. همین امر سبب بروز اختلالات وسیع در مسائل مبتلابه شده است. بسیاری از اموری که در کشورهای پیشرفته کاملاً بدیهی هستند و به صورت نماد درآمده‌اند و مظاهر توسعه هستند؛ مانند رفاه نسبی، هوای پاک، بهداشت و سلامت، محیط کار ایمن و... ایده‌هایی بوده‌اند که طی زمان به ثمر نشست‌اند. بدین جهت باید به زمان توجه ویژه داشت و برای تحقق ایده‌های ناب و اهداف متعالی پافشاری کرد.

سیر تحول پارادایم توسعه‌ی روستایی

پارادایم	زمان	راهبرد در دستور کار و اقدام
رشد	۱۹۵۰-۶۰	راهبردهای توسعه‌بخشی (بدون توجه به پیوند با سایر بخش‌ها در رهیافت جوامع)
رشد و توزیع	۱۹۶۰-۷۰	مدرن‌سازی، انباشت سرمایه، اصلاحات ارضی، راهبرد توسعه‌ی چندبخشی
تأمین نیاز اساسی	۱۹۷۰-۸۰	جهت‌گیری نیازهای اساسی، فناوری مناسب، جهت‌گیری فقر، جهت‌گیری گروه‌های هدف، جهت‌گیری اکولوژیکی
توسعه‌ی پایدار	۱۹۸۰ تاکنون	مشارکت، خودیاری، جهت‌گیری جنسیتی، ظرفیت‌سازی، توانمندسازی، هماهنگی و یکپارچگی اکولوژیکی با نظام‌های اقتصادی و اجتماعی

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

توسعه‌ی روستایی در جهان

ابتدا این نکته را باید یادآوری کرد که الگوها و مدل‌های توسعه خصوصیت جهان‌شمولی ندارند و نمی‌توان نسخه‌ی واحدی برای کشورها پیچید. هر جامعه‌ای باید با در نظر گرفتن واقعیت‌ها و ارزش‌ها و اهداف خویش سیاست‌های خاص خود را تبیین و طراحی کند و بر آن اساس منابع خویش را بسیج و هدایت و مدیریت کند.

در قرن بیست‌ویکم، توسعه‌ی روستایی با چالش‌های بزرگی روبه‌روست. بیشتر فقرای جهان در مناطق روستایی زندگی می‌کنند؛ بیش از یک میلیارد نفر در گرسنگی و در فقر مطلق به سر می‌برند و با درآمد کمتر از یک دلار در روز زندگی می‌کنند (بانک جهانی، ۲۰۱۳). بر اساس گزارش توسعه‌ی انسانی سازمان ملل متحد، سالانه حدود ۲ میلیون کودک قربانی عدم دسترسی به آب آشامیدنی سالم می‌شوند و بالغ بر یک میلیارد نفر از دسترسی به آب آشامیدنی سالم محروم‌اند و بیش از ۲/۵ میلیارد نفر از دسترسی به شبکه‌ی بهداشتی محروم هستند و همچنین یک‌سوم مردم جهان از داشتن برق محروم بوده و بالغ بر دو میلیارد نفر نیز به داروهای ضروری دسترسی ندارند (UNDP, 2008).

فقر یک عارضه‌ی روستایی محسوب می‌شود. حدود ۷۵ درصد از فقرای جهان در نواحی روستایی زندگی می‌کنند. هزینه‌های خدمات عمومی برای روستاییان نصف هزینه‌های مشابه در شهرهاست (بانک جهانی، ۲۰۱۳). فقرای مناطق مختلف روستایی ویژگی‌های مشترکی دارند، اما به دلایل متعدد از فقرای شهری متمایز هستند و باید با رویکردی متفاوت با فقرای شهری در نظر گرفته شوند. به دلیل پراکندگی جغرافیایی فقرای روستایی، سرانه‌ی هزینه برای پوشش آنان گران‌تر است.

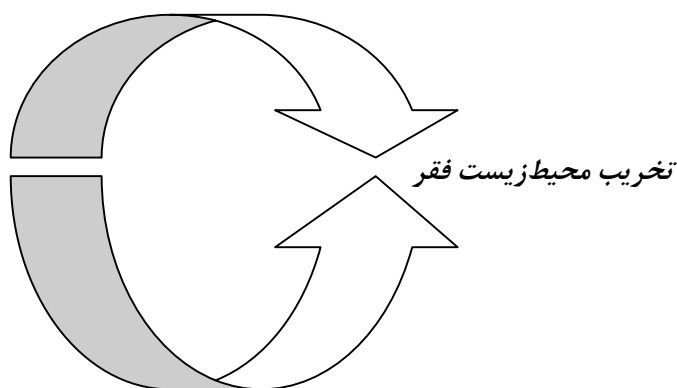
تغییرات آب و هوایی و تخریب محیط‌زیست آثار نامناسبی روی فقرای جهان در مناطق روستایی و فعالیت اصلی آنان یعنی کشاورزی خواهد داشت. نگرانی از تخریب محیط‌زیست و ارتباط آن با فقر روستایی و توسعه‌ی کشاورزی، نگرانی بجایی است. بدیهی است که نادیده گرفتن آسیب‌پذیری مداوم مناطق روستایی که بخش وسیعی از مردم فقیر در آنجا زندگی می‌کنند، آینده‌ای مطلوب‌تر از حال نخواهند داشت.

جهانی شدن به مفهوم وابستگی فزاینده‌ی اقتصاد، بازارها و مردم به یکدیگر، فرصت‌ها و تهدیدات متعدد و جدیدی را نیز در فرایند توسعه‌ی روستایی ایجاد می‌کند و بخشی از این تأثیرات از ناحیه‌ی رویکرد کشورهای توسعه‌یافته به فعالیت‌های کشاورزی است، به طوری که کشورهای «OECD» روزانه بالغ بر یک میلیارد دلار از کشاورزان خود حمایت کرده‌اند و این مسئله سبب شده است تا به طور متوسط، کشاورزان عضو کشورهای «OECD»، قیمت‌های

دریافتی محصولات خود را حدود یک‌سوم بیشتر از قیمت‌های جهانی دریافت نمایند. همچنین یارانه‌های صادراتی به محصولات کشاورزی در این گروه از کشورها آثار وسیعی بر بازار جهانی و شرایط بازار محصولات کشاورزی که نقطه‌ی اتکا درآمدهای کشورهای در حال توسعه است، داشته است.

بر اساس برآوردهای موجود، جمعیت جهان تا سال ۲۰۲۵ بالغ بر ۸ میلیارد نفر خواهد شد که ۸۰ درصد آنان در کشورهای در حال توسعه و ۴۲ درصد آنان در مناطق روستایی زندگی خواهند کرد (IFPRI, 2002) و تقاضای غلات جهان ۴۶ درصد و تقاضای کشورهای در حال توسعه به این محصول اساسی ۶۵ درصد افزایش خواهد یافت.

نمودار ۱: دور باطل فقر - تخریب محیط‌زیست در مناطق روستایی



آنچه قابل توجه است، این است که در آینده از یک سو نیاز بشر به غذا افزایش می‌یابد و افزایش تولید در بستر بی‌توجهی به شاخص‌های توسعه محیط‌زیست را با تخریب بیشتری مواجه خواهد نمود و تخریب منابع پایه فقر را دامن خواهد زد و با غفلت در مقابله با ریشه‌های مسئله، در دور باطل، فقر منجر به تخریب محیط‌زیست و تخریب محیط‌زیست منجر به فقر خواهد شد و همچنین فقر و تخریب محیط‌زیست تشدید توسعه‌نیافتگی را در پی خواهند داشت و این نتیجه‌ی منطقی دور باطل در حال حاضر کشورهای در حال توسعه را در بر گرفته است. با افزایش جمعیت جهان، تداوم روند تخریب منابع و نیاز به افزایش تولید مواد غذایی و تعادل‌بخشی در نهادهای توسعه‌ای ملی به لحاظ آمایش سرزمین، روز به روز توسعه‌ی همه‌جانبه‌ی روستا را ضرورتی اجتناب‌ناپذیر می‌نماید.

ابعاد توسعه‌ی روستایی در ایران

توسعه‌ی روستایی حوزه‌ای بسیار وسیع و متنوع تعریف می‌شود؛ به طوری که در توسعه‌ی روستاها، مدیریت منابع انسانی، توسعه‌ی کشاورزی، توسعه‌ی فعالیت‌های غیر کشاورزی، مدیریت منابع طبیعی (محیط‌زیست) و توسعه‌ی امور زیربنایی، در یک راستا مورد توجه قرار می‌گیرد (عمادی، ۱۳۸۳). علاوه بر تنوع و گستردگی ابعاد برنامه‌های توسعه‌ی روستایی، پراکندگی جغرافیایی، رویکردهای عمدتاً عمرانی به روستاها طی پنج دهه برنامه‌ریزی در کشور و نبود راهبردهای جامع و ناهماهنگی میان سازمان‌های مرتبط با روستا و کم‌توجهی به مشارکت روستاییان در امر توسعه، فرایند توسعه‌ی فراگیر در روستاها، با چالش جدی روبه‌رو بوده است (فیروزنیا، ۱۳۸۲: ۲۹).

زمان رسمیت برنامه‌ریزی توجه به روستاها در ایران را می‌توان در دو مقطع قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی مورد بررسی قرار داد. قبل از انقلاب موضوع عمران روستا ابتدا با تصویب قانون عمران روستایی در آبان‌ماه سال ۱۳۱۶ مورد توجه قرار گرفت و برنامه‌های عمرانی از ۱۳۲۷ رسمیت یافتند. با اصلاحات ارضی که در چند مرحله، که از مهم‌ترین راهبردهای حکومت پهلوی دوم بود، با اهداف مختلف و تغییر ساختار فعالیت‌های کشاورزی به اجرا درآمد، این طرح اساساً در برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی سوم عمرانی پیش‌بینی نشده بود، لیکن تمامی ابعاد این برنامه را متأثر ساخت. نتایج حاصل از رویکردهای رژیم شاه به روستا و روستاییان را به طور خلاصه می‌توان به شرح زیر بیان نمود:

برنامه‌ی اول: از طریق عمران زراعی بخشی از کارکرد اقتصادی - تولیدی روستاها پوشش داده شد. لوایحی در ایجاد، بهبود و ارتقای زندگی روستاییان و بخش کشاورزی تصویب شد.

برنامه‌ی دوم: توجه به عمران دهات و اراضی بایر مد نظر بود.

برنامه‌ی سوم: عمران روستایی جزئی از بخش کشاورزی در نظر گرفته شد.

برنامه‌ی چهارم: عمران و نوسازی دهات، گسترش خدمات روستاها، توزیع متعادل سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی و خدمات و تسهیلات رفاهی اجرایی شد.

برنامه‌ی پنجم: تسهیلات رفاهی و زیربنایی و تمرکز خدمات در قالب برنامه‌ی حوزه‌ی عمران روستایی پیاده شد (پالوج، ۱۳۸۴).

از نظر کمی نیز نتایج زیر مستند به آمار رسمی حاصل برنامه‌ی قبل انقلاب، قابل احصاست:

- از ۹۲ هزار آبادی کشور در سال ۱۳۵۵، حدود ۲۷ هزار آبادی از سکنه خالی شده بودند.



- تعداد روستاهای آبرسانی شده بالغ بر ۱۲ هزار روستا در سال ۱۳۵۷ بوده، ولیکن سهم روستاهای تحت پوشش آب بهداشتی ۱۲ درصد بوده است.
- تعداد روستاهایی که از برق استفاده می‌کردند، بالغ بر ۴۳۲۷ روستا بوده است.
- تعداد روستاهای برخوردار از راه نیز بالغ بر هشت هزار روستا بوده است.
- نسبت بی‌سوادان روستایی به کل جمعیت روستاها در سال ۱۳۵۵ بالغ بر ۷۰ درصد بود (مرکز آمار ایران، ۱۳۶۰) و بدیهی است که فقر در روستا در این دوره بسیار نمود بارزتری نسبت به چگونگی معیشت ساکنین مناطق شهری داشته است.
- در خصوص بهداشت و سلامت و بیمه و همچنین امکانات ارتباطی اقدامات بسیار محدود بود.
- اهداف و اقدامات برنامه‌های پس از انقلاب اسلامی بیشتر جنبه‌ی کمی و فیزیکی و کالبدی داشته و به جنبه‌های اجتماعی و کیفی کمتر توجه شده است.
- با تأسیس جهاد سازندگی جریان توسعه‌ی روستایی روندی شتابان یافت. این نهاد خدمات قابل توجهی به روستاییان ارائه نمود. نگرش و رویکرد آن مشارکتی و توسعه‌ی درون‌زا بود.
- در برنامه‌ی اول توسعه، علی‌رغم تعریف اهداف عدالت‌خواهانه در زمینه‌ی کم کردن شکاف شهر و روستا و کمک به قشر مستضعف به دلیل عدم وجود استراتژی مشخص در توسعه به طور عام و توسعه‌ی روستایی به طور خاص، اهداف پیش‌بینی‌شده محقق نشد.
- در برنامه‌ی دوم توسعه که عمران و توسعه‌ی روستایی به عنوان یک فصل مستقل در اسناد برنامه جای گرفت، به علت تمرکز بر وجوه اقتصادی و اجتماعی و توجه به صنعتی شدن روستاها این امر ممکن نگردید.
- در اهداف برنامه‌ی سوم هرچند به ابعاد اجتماعی، مشارکت‌های مردمی و تمرکززدایی توجه شد، ولی اقدامات بیشتر جنبه‌ی فیزیکی و کالبدی داشت. تنگناهای ساختاری فرصتی برای تحقق مشارکت مدنی فراهم نساخت.
- در برنامه‌ی چهارم، رشد اقتصاد دانایی در تعامل با اقتصاد جهانی، حفظ محیط‌زیست، آمادگی سرزمین و توان منطقه‌ای، توسعه‌ی سلامت، امنیت انسانی و عدالت اجتماعی، هویت و فرهنگ اسلامی ایرانی، تأمین مطمئن امنیت ملی، نوسازی دولت و افزایش حاکمیت مورد توجه قرار گرفت.
- در برنامه‌ی پنجم، ترویج شیوه‌ی زندگی اسلامی، گسترش عدالت همه‌جانبه و ارتقای کرامت انسانی، تقویت هویت اسلامی - ایرانی، ایجاد جامعه‌ای خودباور با محوریت نهاد خانواده،

توسعه‌ی دانش و فناوری با تأکید بر فناوری اطلاعات، رشد اقتصادی پایدار و عدالت‌محور، ارتقای بهره‌وری، اجرای سیاست‌های کلی اصل ۳۳، تأمین اجتماعی فراگیر و ارتقای سلامت آحاد جامعه، تحکیم امنیت ملی و توسعه‌ی روابط خارجی بر مبنای سه اصل عزت حکمت و مصلحت، آمایش سرزمین و توسعه و توازن منطقه‌ای، کاهش وابستگی اقتصاد به نفت، ارتقای تعاون و رقابت‌پذیری در اقتصاد محورهای اصلی بود. در این برنامه توفیق مورد انتظار به دست نیامد.

- برنامه‌ی ششم، بهره‌برداری از ظرفیت روستا، ارتقای منزلت اجتماعی روستاییان و جایگاه روستاها در اقتصاد ملی و ایجاد بستر لازم برای شکوفایی و پیشرفت عدالت‌محور روستاها، تقویت اقتصاد روستایی، توسعه‌ی اقتصاد صادرات‌محور، توجه به استعدادها و ظرفیت‌های بومی و محیطی و قابلیت محلی و مشارکت آنان، توجه به خوشه‌ی کسب‌وکار روستایی، یکپارچه‌سازی حداکثری فعالیت‌ها و برنامه‌های عمران و توسعه‌ی روستایی، عشایری و کشاورزی با رویکرد جهادی را مورد توجه قرار داد (اسناد برنامه).

بررسی‌ها نشان می‌دهد که پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با اجرای پنج برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی توسعه و در آستانه‌ی سومین سال اجرای برنامه‌ی ششم توسعه نیز علی‌رغم برخورداری از درآمدهای نفتی و به‌ویژه تلاش‌های جدی چهار دهه‌ی اخیر توسط نهادهای انقلاب و سایر دستگاه‌های دولتی در مناطق روستایی، برخی شاخص‌های مهم و کلیدی و بسترساز معرف ابعاد توسعه‌ی روستایی، از وضعیت مناسب و در خور شأن جامعه‌ی اسلامی ایران برخوردار نیستند. همچنین شکاف درآمدی بین جامعه‌ی شهری و روستایی واقعیتی انکارناپذیر است و این در شرایطی است که میزان برخورداری بخش اعظم روستاهای کشور و ساکنین این مناطق به امکانات بهداشتی، آموزشی و عمرانی مناسب به لحاظ سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته، نسبتاً مطلوب است؛ به طوری که بر اساس نتایج حاصل از سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ توسط مرکز آمار ایران، نسبت باسوادی روستاییان به کل جمعیت روستایی حدود ۷۸ درصد بوده و حدود ۱۰۰ درصد روستاها آبرسانی شده و ۷۴ درصد جمعیت روستایی از آب آشامیدنی بهداشتی بهره‌مند بوده و ۹۷ درصد از برق برخوردار بوده و ۷۷ درصد از گاز و ۹۱ درصد از جاده‌ی آسفالت بهره‌مند بوده‌اند. این مسئله بیانگر عدم توجه به کلیت روستا در برنامه‌ی کلان برنامه‌ریزی است. بررسی‌های انجام‌شده نیز ناظر به عدم تحقق هدف‌های برنامه‌های میان‌مدت پنج‌ساله در زمینه‌ی توسعه‌ی روستاها در ایران است (پالوج، ۱۳۸۳: ۱۷۶).

از آنجایی که بر اساس تبیین الگوی جامعه‌ی توسعه‌یافته‌ی مورد نظر در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ (رضایی، ۱۳۸۵: ۶۵۱) الگوی پایه‌ی اسلامی - ایرانی پیشرفت معرف سیر کلی تحولات



مطلوب ایران در عرصه‌ی فکر، معنویت، و زندگی به سوی تمدن نوین اسلامی در نیم قرن آینده و تصویر آرمان‌ها در جامعه و زیست‌بوم ایران در افق بوده و هدف‌های واقعی آحاد مردم، جامعه و حکومت ایران را در آن موعده معین می‌سازد. خدامحوری و توحید اساس و محور بنیادین حیات فردی و اجتماعی مؤمنان است و انسان موجودی اجتماعی و دارای کمال و سعادت اختیاری و امانت‌دار و آبادکننده‌ی جهان مادی است و تأمین بسیاری از نیازها و شکوفایی استعداد‌های خود را در بستر مشارکت جمعی جستجو می‌کند و تغییرات اجتماعی تحت تأثیر عوامل فرهنگی، جمعیتی و انسانی، جغرافیایی، سیاسی، اقتصادی، دانشی و فناوری پدید می‌آید و انسان هم عامل و هم هدف آن است. انسان دوبعدی است که این دنیا مزرعه‌ی آخرت اوست و پیوستگی مادی و معاش و معاد در آن مهم تلقی شده و خداجویی و عدالت‌خواهی و فرهیختگی و مکارم اخلاقی و افزایش شعور و آگاهی را دنبال می‌کند و آزادی کرامت انسان، عبودیت، فرصت‌های برابر، تولید ثروت، گسترش عدالت، رعایت مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی، اشتغال کامل عوامل تولید و سلامت و تأمین نیازهای آحاد جامعه و تشویق روحیه‌ی همکاری و سازگاری اجتماعی از عمده معیارهای توسعه در جامعه‌ی ایران است، مباحثی هست که انتظار می‌رود دقیق‌تر مورد پردازش قرار گیرند. تجربه‌ی جهان، به‌ویژه کشورهای در حال توسعه در مناطق روستایی و تداوم شاخص‌های توسعه‌نیافتگی به واسطه‌ی غفلت از توجه به مسائل اساسی در جامعه‌ی روستایی از یک سو، و از سوی دیگر تجربه‌ی بیش از هفتاد سال نظام برنامه‌ریزی، علی‌رغم اجرای طرح‌ها و پروژه‌های عمرانی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در مناطق روستایی و وضعیت فعلی روستاها و جامعه‌ی روستایی که ۲۰ درصد از جمعیت کشور و حدود یک‌چهارم شاغلین و حدود ۱۰ درصد «GDP» را در پهنه‌ی سرزمین ایران تولید می‌کند، نشانگر این حقیقت مسلم است که با تداوم روندهای گذشته، ساختارهای توسعه‌نیافتگی تغییر نکرده و تحقق جامعه‌ی مورد نظر الگو در افق ۱۴۴۴ را مورد سؤال و تردید جدی قرار خواهد گرفت.

بررسی اسناد مختلف نشان می‌دهد که روستا هم‌اکنون نیز با تهدیدهای زیادی مواجه است که از جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد: آسیب‌پذیری روستاها در مقابل بلایای طبیعی و پایین بودن ضریب ایمنی، تسلط نگرش کالبدی و کم‌توجهی به معیشت و اقتصاد روستاها، کم بودن سهم روستاها از منابع مالی و تسهیلات بانکی و اعتبارات عمومی، کمبود مشوق‌ها و جاذبه‌ی مورد نیاز برای سرمایه‌گذاری، کم‌توجهی به زنجیره‌ی پیوندهای شهر و روستا برای توسعه‌ی پایدار، ضعف ساختار یکپارچه در سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، نظارت و راهبری توسعه‌ی روستایی، وجود موانع ساختاری در خصوص تسهیل فعالیت‌ها و مشارکت مناسب

روستاییان، تغییر شتابان روستا به شهر، عدم تناسب برنامه‌های آموزشی و ترویجی با نیازها، برنامه‌ریزی متمرکز و نگرش یکسان به نقاط روستایی و بی‌توجهی به تنوع، تبدیل روستاهای مجاور کلان‌شهرها و شهرهای بزرگ به سکونتگاه‌های حاشیه‌نشینی، تخلیه‌ی روستاهای مرزی و مشکلات امنیتی ناشی از آن، عدم تعادل و افزایش شکاف بین روستاها و شهرها، کم‌توجهی به تولیدات دانش‌بنیان، فقدان سامانه‌ی یکپارچه‌ی جامع آمار و اطلاعات روستایی، ضعف مدیریت شبکه‌ی حمل‌ونقل روستایی.

با عنایت به تعدد تهدیدات و از سویی با توجه به اهمیت روستا از ابعاد مختلف، به‌ویژه از منظر انسانی، ملحوظ نمودن مسائل مرتبط با توسعه و پیشرفت روستایی در الگوی پایه‌ی اسلامی - ایرانی پیشرفت، کاهش و از بین بردن تهدیدات، رفع موانع توسعه‌ی روستاها، تمرکز بر توسعه‌ی کارآفرینی و فعالیت‌های اشتغال‌زا و مولد، متنوع‌سازی فعالیت‌های اقتصادی در روستا، تأمین زیرساخت‌های مورد نیاز، توسعه‌ی زیرساخت‌های فناوری، گسترش زیرساخت‌های بازاریابی، توسعه‌ی مشارکت‌های اجتماعی، مقابله و رفع ناامنی‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و پوشش کامل تأمین اجتماعی و ملحوظ نمودن آن‌ها در نگرش و ساختارهای نظام برنامه‌ریزی توسعه‌ی ملی و التزام عملی به آن و شکسته شدن ساختارهای ایجاد فقر و مانع توسعه‌ی روستایی از جمله راهکارهای اجرایی جهت جلوگیری از روندهای فعلی در راستای توسعه‌ی روستاهاست که این مهم محقق نخواهد شد، مگر در سایه‌ی توجه الگوی پایه‌ی اسلامی - ایرانی پیشرفت به روستا و اتخاذ تدابیر لازم در این زمینه که تاکنون ملاحظه نشده است.

بحث و نتیجه‌گیری

الگو بایستی جامعیت و شفافیت لازم را داشته و دربرگیرنده‌ی عوامل انسانی و محیطی باشد، ایجاد ارزش کند و روستا را بخشی از تصمیم‌گیری و بخش جدایی‌ناپذیر فرایند توسعه‌ی کشور بداند. روش‌شناسی مشارکتی، الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت را به گفتمان غالب بدل می‌کند و زمینه‌های معرفتی، اجتماعی و برنامه‌ریزی و مدیریتی برای تحقق آن را فراهم می‌سازد. الگو باید تمام ابعاد وجودی انسان، جوامع انسانی و سرزمین و ارزش‌های بنیادین را مد نظر داشته باشد و منافع ملی را ارتقا بخشد و با ترکیب بهینه‌ی عوامل و عناصر نقش مؤثری در پیشرفت و شناخت مسیر ارائه کند. الگو باید با اتخاذ رویکرد راهبردی در برنامه‌ریزی و با تفکر آینده‌نگری و رفتار فضایی با سیاست‌گذاری مناسب، هویت مولد و تولیدی روستا را احیا کند و با محترم شمردن حقوق شهروندی روستاییان، توسعه‌ی روستایی و توسعه‌ی ملی را ملازم هم بداند و



راهبر پیشرفت باشد. در اسلام بر محبوبیت مردمی (آیه ۱۵۹، سوره آل عمران) و مشارکت دادن همگان در اداره‌ی اجتماع (آیه ۲۹، سوره فتح؛ آیه ۱۵۹، سوره آل عمران) تأکید شده است. هدف اصلی جامعه دستیابی به سعادت و تعالی معنوی است (صحیفه‌ی نور، ج ۲ و ۷).

انتظار می‌رود الگو با شناخت نیاز امروز و آینده‌ی روستا، با ارتقای دانش، خرد جمعی، فرهنگ‌سازی و مثبت‌اندیشی، مردم‌گرایی، تعالی فردی و اجتماعی و ارتقای کیفیت زندگی، بهبود عدالت فضایی، به کارکرد روستا در سطح ملی توجه نماید و توسعه‌ی یکپارچه‌ی فضاها و بهبود کیفیت و تنوع زیستی و شناخت شهروند روستایی و ظرفیت‌های روستا، ارائه‌ی خدمات، تسهیلگری و نهادسازی و ایجاد انگیزه‌ی مشارکت و ارتقای نقش روستاییان در اداره‌ی امور را مد نظر داشته باشد.

مدیریت راهبردی الگوی مناسب پیشرفت روستاست تا با تفکر راهبردی رسالت روستا را از پشتیبانی سازمانی محلی تا ملی و با تصمیم‌گیران راهبردی همراه نماید. مدیریت راهبردی الگویی تعاملی و مبتنی بر تحلیل محیطی و شناخت تحولات در ابعاد مختلف است و الگویی بومی، پویا و پایدار را در چارچوب مناطق جغرافیایی نهادینه می‌سازد (افتخاری، ۱۳۹۱).

غفلت از روستا در الگوی پایه‌ی توسعه‌ی اسلامی - ایرانی پیشرفت اختلال فراوانی در روند پیشرفت ملی ایجاد می‌کند و جامعه را با مشکلات پیچیده‌ای از قبیل امنیت غذایی، تخریب زیست‌محیطی، فرصت‌های شغلی، فرصت‌های هزاره‌ی سوم، جهانی شدن و دانش‌بنیانی مواجه خواهد نمود که به تبیین اجمالی آن‌ها می‌پردازیم.

- **امنیت غذایی؛** روستا کانون تولید و بستر مناسب برای تولید پایدار فعالیت‌های کشاورزی است و به تبع آن طیفی از امنیت غذایی را در جامعه ایجاد خواهد نمود. بدین ترتیب وابستگی دو متغیر تولید پایدار و امنیت غذایی ضمن اثرات متعددی که در جامعه‌ی روستایی دارد، رویکرد تقویت‌بخش کشاورزی امنیت غذایی را نیز در جامعه در پی خواهد داشت و بی‌توجهی به توسعه‌ی کشاورزی و روستایی، در شاخص امنیت غذایی اختلال ایجاد خواهد کرد.

- **تخریب زیست‌محیطی؛** الزام در توسعه‌ی پایدار روستایی، حفاظت از منابع پایه، طبیعی و محیط‌زیست است. به عبارت دیگر، اختلال در فرایند توسعه‌ی پایدار روستایی، علاوه بر خسارات ناشی از تخریب محیط‌زیست و آثار مخرب آن بر حیات انسان‌ها، ناپایداری الگوی تولید و ناپایداری فعالیت‌های کشاورزی و تشدید فقر و مهاجرت بی‌رویه‌ی روستاها و انحراف از اهداف مصرح و مستتر در الگوی پایه را در پی خواهد داشت و نسل حاضر و آینده را با چالش مواجه خواهد کرد.

- **فرصت‌های شغلی؛** وجود قابلیت‌های فراوان در روستا که با بهره‌گیری از نوآوری و فناوری‌های نوین می‌تواند صورت پذیرد، غفلت در استفاده از ظرفیت‌های اشتغال‌زایی در فعالیت‌های مکمل بخش کشاورزی و سایر فعالیت‌های تولیدی و خدمات مولد در مناطق روستایی، هزینه‌های سنگین فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی به جامعه تحمیل می‌کند و فرایند توسعه‌ی ملی ناشی از بهره‌برداری از مزیت ظرفیت‌های بالقوه‌ی این مناطق را با اختلال مواجه می‌نماید و بدیهی است که در این بستر، ترکیب بهینه‌ی مؤلفه‌های انسان و فعالیت و فضا با خروج نیروی کار آماده از مناطق روستایی، به هم ریخته و آمایش سرزمین را نیز در افق ۱۴۴۴ مختل می‌سازد.

- **حاشیه‌نشینی شهرها؛** از ویژگی‌های جامعه‌ی ایران در افق ۱۴۴۴، برخورداری از احساس امنیت، آرامش، آسایش، سلامت و امید به زندگی در سطح برتر جهانی است. این افق آرمانی در حالی است که حاشیه‌نشینی از جمله واقعیات مسلم و قطعی و تجربه‌شده در بی‌توجهی به توسعه‌ی پایدار روستایی است. از آنجایی که جامعه‌ی ترسیم‌شده در افق جامعه‌ای بهره‌مند از امنیت همه‌جانبه و شاهد وحدت و اخوت و ثبات و عدالت خواهد بود (مرکز الگو، ۱۳۹۷) و وفق سند چشم‌انداز نیز جامعه‌ی ایرانی در افق توسعه‌یافته متکی بر اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی، ملی، انقلابی، مردم‌سالاری، عدالت اجتماعی و بهره‌مند از امنیت اجتماعی و قضایی است (رضایی، ۱۳۸۵:۱۸۹)، بی‌تردید حاشیه‌نشینی شهرها و تبعات منفی آن که نتیجه‌ی توسعه‌نیافتگی روستاهاست، در این جامعه جایی ندارد و غفلت از توسعه‌ی روستایی، گسترش حاشیه‌نشینی و مشکلات اجتماعی و بی‌عدالتی را به دنبال خواهد داشت.

- **فرصت‌های هزاره‌ی سوم؛** تحولات علمی و فناوری‌های پیشرفته و کاربرد آن در تولید غذا، فنون مدیریت، مدیریت سیستم‌های اطلاعاتی، چشم‌اندازهای امیدوارکننده‌ای را برای مقابله با محدودیت منابع تولید و مقابله با ناامنی و سوء‌تغذیه و فقر، فراهم آورده است. توسعه‌ی روستایی که متکی بر توسعه‌ی منابع انسانی است، این فرصت استثنایی را برای برون‌رفت از چالش‌های زیاد شدن جمعیت برای کشور فراهم خواهد کرد و غفلت از آن در تحقق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت اختلال ایجاد خواهد کرد.

- **جهانی شدن؛** یکی از آثار جهانی شدن در مناطق روستایی و فعالیت‌های اقتصادی آن، در صورتی که فعالیت‌های اقتصادی در معرض آن قرار گیرد، انتقال ارزش محصولات و تغییر در نظام تولید است که امری اجتناب‌ناپذیر است. صرف نظر از ارزشیابی تغییر در نظام تولید، در صورت غفلت از توسعه‌ی روستاها و غفلت از تقویت نظام بهینه و کارآمد و منسجم تحقیق، آموزش و ترویج، تسریع در تخریب محیط‌زیست مناطق روستایی، به لحاظ تمرکز بر



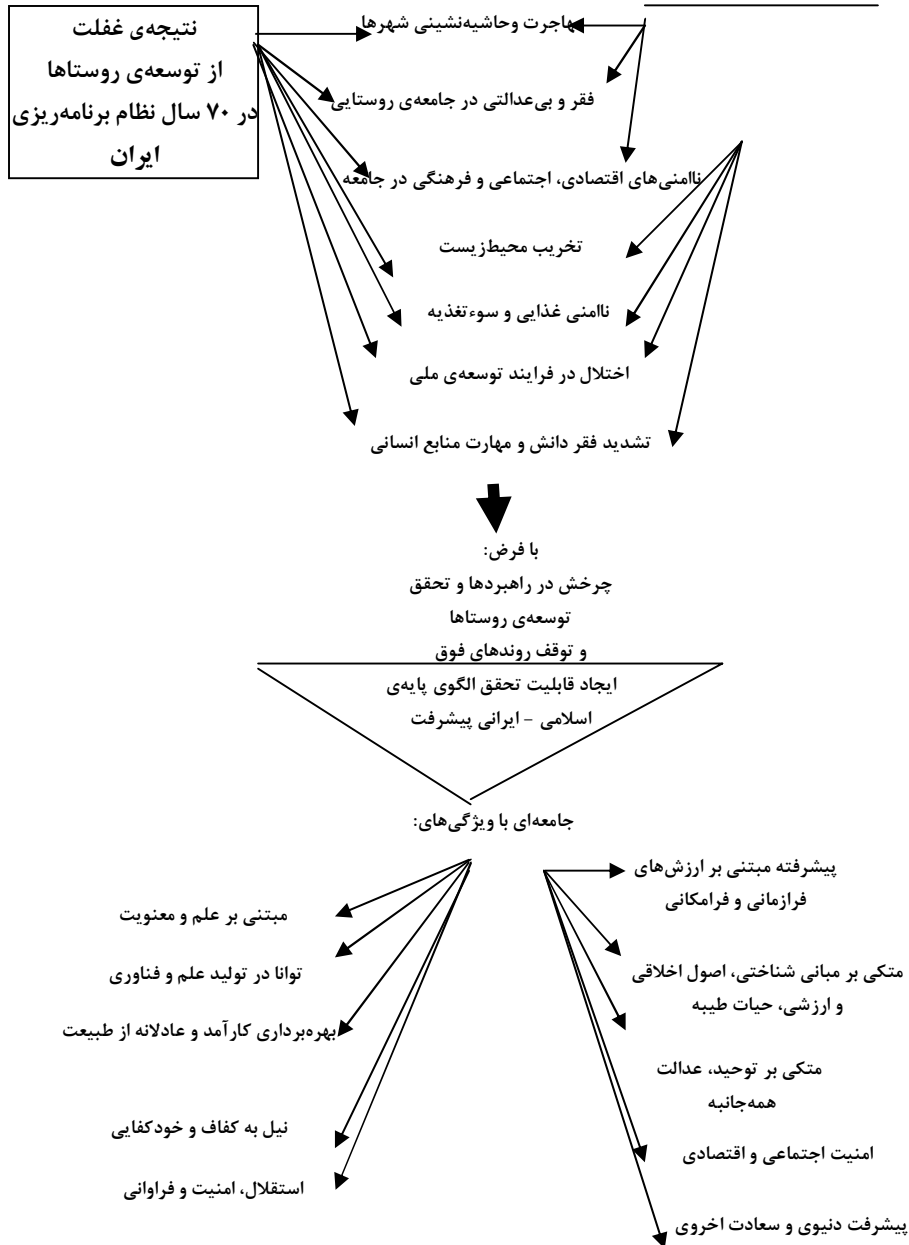
تولید و فشار بر منابع، روند رو به تزایدی خواهد گرفت و این مسئله نیز جامعه را از اهداف الگو دور خواهد کرد.

- **مدیریت اطلاعات؛** از ویژگی‌های توسعه‌ی روستایی، توسعه‌ی منابع انسانی و توسعه‌ی فناوری اطلاعات در فرایندهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جامعه‌ی روستایی است. سهل‌انگاری در این مسئله از امتیازات جامعه‌ی روستایی در هزاره‌ی سوم می‌کاهد و رشد را مختل خواهد کرد.

- **نظام دانش پایه در بخش‌ها؛** تثبیت مزیت‌های اقتصادی در جامعه‌ی روستایی و ایجاد زمینه‌های رقابتی نمودن فعالیت‌های متنوع در روستا، به‌ویژه با توجه شایسته به کشاورزی و فعالیت‌های مولد به‌مثابه‌ی فعالیتی محوری در جامعه‌ی روستایی، منوط به تزریق دانش در ابعاد مختلف به جامعه‌ی روستایی است و غفلت از این مسئله نیز ساختارهای جامعه‌ی مورد نظر الگو را سست خواهد کرد.

چنانچه اشاره شد، تجربه و عملکرد فرایندهای توسعه در چند دهه‌ی اخیر در جهان نشان داده است که حاشیه‌نشینی شهرها، فقر و بی‌عدالتی در مناطق روستایی، ناامنی‌های اجتماعی و اقتصادی در جامعه، تخریب محیط‌زیست، سوءتغذیه، هزینه‌های سنگین عمومی، اختلال در فرایند توسعه‌ی ملی، اختلال در آمایش سرزمین، فقر دانش و مهارت، تقریباً در تمامی کشورهایی که از توسعه‌ی روستایی غفلت کرده‌اند به وجود آمده است و در ایران نیز بعضاً این شاخص‌ها با نسبت‌های کمتری، به علت غفلت نظام برنامه‌ریزی از توسعه‌ی روستاها صورت پذیرفته است و هم‌اکنون بدون چشم مسلح عوارض مخرب این بی‌توجهی‌های ساختاری دیده می‌شود و شواهد و قراین آن آشکار است. لذا با توجه به ویژگی‌های در نظر گرفته‌شده برای جامعه در افق ۱۴۴۴، تحقق توسعه‌ی روستاها به منظور مهار شرایط نامساعد فعلی و حرکت به سمت اهداف مذکور، اضطراری اجتناب‌ناپذیر تلقی می‌شود و چنانکه در شکل زیر نشان داده شده است، تجربه‌ی روند گذشته تنها در شرایطی رُخ خواهد داد که قابلیت‌های توسعه‌ی پایدار روستایی به نحو اثربخشی در فرایند توسعه‌ی ملی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت محقق شود.

الگوی تعامل میان رویکردهای توسعه‌ی پایدار روستایی و قابلیت تحقق الگوی پایه





منابع و مآخذ

- قرآن مجید
- آقاسی‌زاده، فتح‌الله، کشاورزی جهان و ایران (در آیین‌های آمار)، مؤسسه‌ی پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، ۱۳۸۴
- کلاین، سارا و همکاران، آینده‌ی آب و غذا در جهان تا سال ۲۰۲۵، ترجمه‌ی هومن فتاحی و احمد دهقان، مؤسسه‌ی پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، ۱۳۸۳
- ازکیا، مصطفی، جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌نیافتگی روستایی ایران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۱.
- اسناد برنامه‌های توسعه‌ی قبل و بعد از انقلاب اسلامی ایران.
- بهزادنسب، جانعلی، «توسعه‌ی یکپارچه‌ی محلی...»، مجموعه مقالات، مؤسسه‌ی توسعه‌ی روستایی، دفتر تدوین و نشر منابع مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۸۳
- پالوج، مجتبی، جایگاه توسعه‌ی روستایی در برنامه‌های پنج‌ساله‌ی توسعه، ۱۳۸۳
- پالوج مجتبی، تبیین چارچوب مفهومی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت روستایی، ۱۳۹۱
- پیروزمند علیرضا، مراحل دستیابی و به‌کارگیری الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، انتشارات پیام عدالت، ۱۳۹۰
- رضایی میرقائد، محسن؛ مبینی دهرکدی، علی، ایران آینده در افق چشم‌انداز، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۵
- عمادی، محمدحسین، «اولین نشریه‌ی الکترونیکی کشاورزی»، مشاهده‌شده در www.Iranic.ir در تاریخ ۱۳۸۳
- فیروزنیا، قدیر؛ رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا، توسعه‌ی ملی از دیدگاه صاحب‌نظران، مؤسسه‌ی توسعه‌ی روستایی ایران، ۱۳۸۲.
- سازمان خواربار کشاورزی ملل متحد، کشاورزی در جهان به سوی ۲۰۳۰-۲۰۱۵، ترجمه‌ی هومن فتاحی، انتشارات مؤسسه‌ی پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، ۱۳۸۲
- معاونت توسعه‌ی روستایی و مناطق محروم، سند توسعه‌ی روستایی، ۱۳۹۴
- مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵
- مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، الگوی پایه، ۱۳۹۷
- میر جرال و همکاران، پیشگامان توسعه، ترجمه‌ی سید علی هدایتی و علی باسری، انتشارات سمت، ۱۳۶۸
- امام خمینی (ره)، صحیفه‌ی نور، جلد بیستم، سازمان مدارک انقلاب اسلامی تهران، ۱۳۶۹

- صحیفه‌ی نور، جلد دوم و هفتم، سازمان مدارک انقلاب اسلامی تهران، ۱۳۶۹
- آزاد ارمکی، محمدتقی، واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان به سوی نظریه‌ی اسلامی - ایرانی پیشرفت، مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، ۱۳۹۳
- جوادی آملی، عبدالله، ولایت فقیه، ولایت فقاومت و عدالت، چاپ دوم، مرکز نشر اسراء، قم: ۱۳۷۹
- حداد عادل، غلامعلی، تأملی در معنای الگوی اسلامی - ایرانی توسعه، انتشارات پیام عدالت، مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، ۱۳۹۳
- دانشگاه عالی دفاع ملی، طراحی الگوی راهبرد مرزشکنی دانش، ۱۳۸۷
- درخشان مسعود، «ملاحظات در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت»، نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، انتشارات پیام عدالت، ۱۳۹۰
- رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا، معماری الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت روستا، ۱۳۹۰
- رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا، بایسته‌های توسعه‌ی پایدار روستایی در برنامه‌ی ششم روستا شاه‌آبادی، محمدعلی (آیت‌الله‌العظمی)، شذرات المعارف، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی، تهران: ۱۳۸۶
- طباطبائیان، حبیب‌الله، قادری رضا، الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، چیستی و چگونگی، انتشارات پیام عدالت، ۱۳۹۰
- علاسوند فریبا، الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، ضرورت‌ها و موانع، انتشارات پیام عدالت، ۱۳۹۰
- غفوری، اکبر، گام‌های اولیه در طراحی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، انتشارات پیام عدالت، ۱۳۹۰
- مصباحی‌مقدم، گامی به سوی تدوین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، انتشارات پیام عدالت، ۱۳۹۰
- میرمعزی، سید حسین، الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، محصول اسلامی‌سازی علوم انسانی، انتشارات پیام عدالت، ۱۳۹۰
- واعظ‌زاده، صادق، نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، انتشارات پیام عدالت، ۱۳۹۰
- الوانی، سیدمهدی، تصمیم‌گیری و تعیین خط‌مشی دولتی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، تهران: ۱۳۹۵

- Dye Thomas R. (2008) Understanding Public Policy, Twelfth Edition, New Jersey, Prentice Hall, Englewood Cliffs
- FAO, World agriculture: Toward 2015/2030, Summary Report
- UN-HUMAN DEVELOPMENT REPORT-2006-2007 – UNATED NATION-2008
- IFPRI, "World Water and Food to 2025, deeling with Scarcity," 2012.
- World Bank, rural Development from vision at action, 2013.
- www.sharifthinktank.com.